

نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی

مینا مهبد^{1*} و محبوبه فولادچنگ²

دریافت مقاله: 1390/09/3 دریافت نسخه نهایی: 91/3/31 پذیرش مقاله: 91/4/11

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی بود. **روش:** روش پژوهش از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل 6530 دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز بود که براساس روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای 301 نفر (147 پسر و 154 دختر) از انتخاب شد. در این پژوهش دلبستگی به والدین به‌عنوان متغیر برون‌زاد، خودکارآمدی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای و پیشرفت تحصیلی به‌عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش خرده‌مقیاس دلبستگی به والدین آرمسدن و گرینبرگ (1987) و مقیاس خودکارآمدی عمومی شوآرز و جروسلم (1992) بود. الگوی فرضی پژوهش با استفاده از روش رگرسیون چندگانه همزمان بر طبق روش مراحل بارون و کنی (1989) آزمون شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد دلبستگی به والدین پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی و خودکارآمدی پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی است. **نتیجه‌گیری:** در مجموع، خودکارآمدی می‌تواند به‌عنوان متغیر واسطه‌ای میان دلبستگی به والدین و پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شود. براین اساس والدین می‌توانند با فراهم کردن فضایی امن سطح پیشرفت تحصیلی فرزندان را از طریق ارتقا سطح خودکارآمدی آنها بهبود بخشند.

کلید واژه‌ها: پیشرفت تحصیلی، خودکارآمدی، دلبستگی به والدین

1*. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه شیراز
E-mail: minmah2431bod@yahoo.com

2. استادیار دانشگاه شیراز

مقدمه

همزمان با گسترش جوامع و محول شدن وظیفهٔ تعلیم و تربیت به نهاد آموزش و پرورش، افت تحصیلی به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در حیطهٔ شناخت و آموزش مطرح شده است. این پدیده توجه دنیای امروز را به خود معطوف و ذهن بسیاری از پژوهشگران و متخصصین امر را به خود مشغول کرده است؛ چرا که تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی آن به لحاظ هزینه‌های مادی و معنوی، قابل چشم‌پوشی نیست. فردی که با افت تحصیلی مواجه می‌شود علاوه بر وارد آوردن خسارت‌های مادی به نظام آموزشی، سرمایهٔ عمر خود را هدر می‌دهد که هرگز جبران‌پذیر نخواهد بود. همچنین، مطالعهٔ آسیب‌های اجتماعی همواره نشان داده است که درصد زیادی از منحرفین اجتماعی در جایگاه تحصیلی پایین‌تری قرار داشته‌اند. بنابراین انجام پژوهش‌هایی که به نحوی پیشایندهای مرتبط با عملکرد تحصیلی را بررسی کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حجم قابل توجهی از پژوهش‌ها نیز به موضوع‌هایی اختصاص یافته است که عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را بررسی کرده‌اند. از جمله می‌توان به پژوهش‌های رابطهٔ هوش هیجانی (بشارت، شالچی و شمسی‌پور، 1385؛ پارکر، کریک، بامهارت، هریس، مجسکی، باند و هگان¹، 2004؛ الیاس، گارا و شویر²، 2003)، جهت‌گیری هدف (خادمی و نوشادی، 1385)، ویژگی‌های شخصیتی (عابدی، عریضی و سبحانی‌نژاد، 1384) و بسیاری از متغیرهای دیگر با پیشرفت تحصیلی اشاره کرد.

از سوی دیگر، خانواده به عنوان عمده‌ترین نهاد اجتماعی، اولین نظام مؤثر بر نحوهٔ رشد کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود و عوامل مختلف موجود در آن هر یک به شیوه متفاوتی بر فرایند تحول فرزندان به عنوان محصول خانواده تأثیرگذارند. در میان این عوامل موضوع دلبستگی³ توجه بسیاری را به خود معطوف داشته و حجم وسیعی از پژوهش‌های روان‌شناسی را به خود اختصاص داده است. دلبستگی شیوه‌ای است که برای مفهوم‌سازی و سنجش کیفیت روابط عاطفی بین دو نفر به کار می‌رود و ویژگی بارز آن پیوندی عاطفی بین دو فرد است که یک حس ایمنی روان‌شناختی را به وجود می‌آورد. نظریه دلبستگی بالبی⁴ یکی از تحولات بسیار مهم در حوزهٔ روان‌شناختی معاصر است که اهمیت تجارب هیجانی اولیهٔ کودک با مراقب خود را در رشد هیجانی و شناختی وی برجسته می‌سازد. این نظریه، تنها نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریهٔ تحول در گستره حیات نیز هست. طبق نظر بالبی (1973) روابط دلبستگی

1. Parker, Creque, Barnhart, Harris, Majeski, Bond & Hgan

2. Elias, Gara & Schuyere

3. attachment

4. Bowlby

همیشه موجود و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند، به این معنا که سوابق روابط عاطفی کودک با مراقب خود پیامدهای بلندمدتی را ایجاد می‌کند که آثارش تا سنین بزرگسالی نیز به چشم می‌خورد (گودوین¹، 2004). بی‌شک، یکی از این آثار بلندمدت عملکرد تحصیلی است. به این معنا که رشد سائق‌ها و تأمین دیگر نیازها در دوران کودکی که توسط خانواده برآورده می‌شود، معمولاً از طریق پیشرفت تحصیلی خود را نمایان می‌سازد (شارپ، 2004). بر این اساس، پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سطوح پایین دلبستگی به والدین منجر به ضعف تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود (توبمن و فاس²، 2002؛ ماس و اس‌تی-لارنت³، 2002؛ آتش-روز، پاکدامن و عسگری، 1387 و دی‌اریسو⁴، 2010).

علاوه بر رابطه مستقیم، دلبستگی با تأثیر بر متغیرهای انگیزشی همچون خودکارآمدی، بر پیشرفت تحصیلی تأثیرگذار است. از دید بندورا⁵ (1997) مهد خودکارآمدی، خانواده است و این متغیر یک میانجی قوی در انواع رفتار پیشرفت است. به‌واقع خانه و خانواده نخستین جایی است که به کودک تجارب شایستگی و خودباوری می‌بخشد، جایی که والدین، پاسخ‌گوی نیازهای فرزندان‌شان هستند (بندورا، 1997). در یک محیط تحریک‌کننده، کودک به اکتشاف می‌پردازد و پی می‌برد اعمالش پیامدهایی به دنبال دارد و به این ترتیب حسی از خودکارآمدی را شکل می‌دهد (بندورا، 1997؛ به نقل از زولا⁶، 2008). بندورا (1997) خودکارآمدی را ادراک و داوری فرد درباره مهارت‌ها و توانمندی‌های خویش تعریف کرد. بر این اساس خودکارآمدی افراد سطح انگیزش آن‌ها را با کنترل میزان کوشش و زمان پایداری در برابر موانع پیش‌رو تعیین می‌کند. هنگام رویارویی با چالش‌های تحصیلی آنان که توانایی‌های خود را باور ندارند از کوشش خود می‌کاهند و زود به راه‌حل‌های دست‌پایین تن می‌دهند درحالی‌که افراد خودکارآمد فعالیت‌های چالش‌انگیز و محیط‌هایی را برمی‌گزینند که حس می‌کنند برای انجامشان توانایی دارند و همین امر برایشان موفقیت تحصیلی به بار می‌آورد. بر همین اساس و با تکیه بر دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، خودکارآمدی را نیز می‌توان متغیری احتمالی در پیش‌بینی عملکرد تحصیلی به‌شمار آورد.

یافته‌های پژوهشی در مورد موضوع پژوهش را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. گروه اول، دربرگیرنده پژوهش‌هایی است که پیشایندهای خانوادگی موثر بر خودکارآمدی را بررسی کرده

-
1. Goodwin
 2. Tobman & Fass
 3. Moss & St-Laurent
 4. D'Arrioso
 5. Bandura
 6. Zulla

نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با

است. برای مثال نتایج پژوهش الاین شا¹ (2008) در نمونه¹ 31 نفری از دانشجویان سال اول رشته مهندسی، رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و خودکارآمدی تحصیلی را نسبتاً تأیید کرد. به‌طوری رابطه بین فرزندپروری مقتدرانه مادر و خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان معنادار بود، اما رابطه میان سبک فرزندپروری پدر و خودکارآمدی تحصیلی معنادار نبود. همچنین چائو² (2001) در پژوهش خود دریافت که دانشجویان متعلق به خانواده‌های مقتدر، نمره‌های بالاتری در تحصیل کسب می‌کنند و توانایی بیش‌تری برای رویارویی با چالش‌های تحصیلی نشان می‌دهند. همچنین لیم و لنگ لو (2001) در مطالعه خود رابطه منفی معناداری را بین شیوه فرزندپروری مستبد (کنترل بالا و محبت پایین) و میزان خودکارآمدی دانشجویان به‌دست آوردند. بررسی‌ها نشان داد افراد دارای خودکارآمدی پایین، والدینی دارند که چندان توجه به فرزندان نداشته و میزان توقعشان بسیار بالا است.

گروه دوم، شامل پژوهش‌هایی است که پیامدهای خودکارآمدی را بر متغیرهای شناختی و تحصیلی بررسی کرده‌اند (بندورا، کاپرارا، باربارانی، پاستورلی و رگالی، 2001؛ گرین، میلر، کروسان، دوک و آکی، 2004؛ رابینز، لاور، داویس، لانگلی و کارلستروم، 2004). کریم‌زاده و محسنی (1385) نشان دادند سازه کوشش به‌عنوان یکی از ابعاد متغیر خودکارآمدی بیشترین بهره را در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دارد. واسیل، مارهان، سینگر و استویکسکو³ (2011) نیز رابطه خودکارآمدی تحصیلی و بارگیری شناختی⁴ را تأیید کردند.

گروه سوم پژوهش‌هایی است که اثر واسطه‌گری خودکارآمدی را بررسی کرده‌اند (حجازی و نقش، 1387 و هایاکی، هرمان، هاجرتی، ددیوس، آندرسون و استین⁵، 2011). با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد در پژوهش‌های گروه سوم به پیشرفت تحصیلی و به نقش واسطه‌گری خودکارآمدی در رابطه بین عوامل خانوادگی و تحصیلی توجه لازم نشده است. بر این اساس هدف اساسی پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌گری خودکارآمدی در رابطه بین ابعاد دلبستگی به والدین به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم خانوادگی و عاطفی و پیشرفت تحصیلی است. بر اساس نظریه دلبستگی بالبی (1973) و دیدگاه شناختی اجتماعی (بندورا، 1997) و نیز برخی از یافته‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

1. ابعاد دلبستگی به والدین پیش‌بینی‌کننده مستقیم پیشرفت تحصیلی است.

1. Elaine Shaw

2. Chao

3. Vasile., Marhan, Singer, & Stoicescu

4. cognitive load

5. Hayaki, Herman, Hagerty, de Dios, Anderson & Stein

2. ابعاد دلبستگی به والدین پیش‌بینی‌کننده خودکارآمدی است.
3. خودکارآمدی نقش واسطه‌ای در رابطه بین ابعاد دلبستگی به والدین و پیشرفت تحصیلی دارد.

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع طرح‌های همبستگی مبتنی بر تحلیل مسیر است. دلبستگی به والدین متغیر برون‌زاد، خودکارآمدی متغیر واسطه‌ای و پیشرفت تحصیلی متغیر درون‌زاد است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل 6530 دانش‌آموز دبیرستانی شهر شیراز در سال تحصیلی 1389-90 بود که از بین آنها با توجه به تعداد متغیرهای مورد پژوهش و نیز تعداد گویه‌های پرسشنامه‌های پژوهش در نهایت نمونه‌ای برابر با 301 نفر انتخاب گردید. افراد نمونه به‌شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای برگزیده شدند؛ بدین‌صورت که ابتدا از بین تمامی 4 ناحیه شهر شیراز به تصادف 4 مدرسه (2 مدرسه پسرانه و 2 مدرسه دخترانه) و سپس از هر مدرسه به تصادف یک کلاس از هر پایه تحصیلی انتخاب گردید.

ابزارهای پژوهش

1. پرسشنامه دلبستگی والدین و همسال¹: این پرسشنامه به‌منظور تعیین چگونگی پیوندهای عاطفی میان نوجوان با والدین و با همسالان، توسط آرمسدن و گرینبرگ² (1987) تدوین شد. در این پژوهش تنها از مقیاس فرعی دلبستگی به والدین و از دو زیرمقیاس آن شامل دلبستگی به مادر (سؤال‌های 2، 4، 6، 8، 10، 12، 14، 16، 18 و 20) و دلبستگی به پدر (سؤال‌های 1، 3، 5، 7، 9، 11، 13، 15، 17، 19) در مجموع 20 گویه استفاده شد. این پرسشنامه یک پرسشنامه خودسنجی با مقیاس‌های لیکرت پنج‌قسمتی است و طبقات پاسخ دامنه‌ای از کاملاً نادرست = 1 تا کاملاً درست = 5 دارد. برخی سؤال‌های این پرسشنامه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند (سوالات 13 تا 20). کمترین و بیشترین نمره این پرسشنامه به‌ترتیب 20 و 100 است. کسب نمره بالا در مقیاس دلبستگی، کیفیت بالای دلبستگی را نشان می‌دهد. در این پژوهش به‌منظور تعیین روایی³ از روش تحلیل عامل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به‌روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود دو عامل را تایید نمود. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار

1. inventory of parent and peer attachment (IPPA)

2. Armesden & Greenberg

3. validity

نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با

شاخص کایزر - مایر - اولکین¹ برابر 0/87 و ضریب کرویت بارتلت برابر با 2541 ($P < 0/0001$) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت. گویه‌های 7، 13، 14 و 19 به دلیل پایین بودن بار عاملی و درنهایت از مجموع 20 گویه، 4 گویه حذف شد. در این پژوهش به‌منظور تعیین پایایی² برای دلبستگی به پدر و مادر از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب 0/87 برای دلبستگی به مادر و ضریب 0/84 برای دلبستگی به پدر به‌دست آمد و حکایت از پایایی مطلوب پرسشنامه داشت.

2. مقیاس خودکارآمدی عمومی: این مقیاس توسط شورآرزر³ (1992) ساخته شده و دارای 10 گویه و در مجموع بیانگر سازگاری موفقیت‌آمیز فرد با یک موقعیت مشکل‌زا است. در این پرسشنامه برای نمره‌گذاری هر عبارت درجه‌ای بین 1 (کاملاً مخالفم) تا 4 (کاملاً موافقم) به هر آزمودنی تعلق می‌گیرد. بنابراین، کمترین نمره این پرسشنامه برای هر فرد 10 و بیشترین آن 40 است. در این پژوهش به‌منظور تعیین روایی از روش تحلیل عامل استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی به‌روش مؤلفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود یک عامل را تأیید کرد. ملاک استخراج عوامل شیب نمودار اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. مقدار شاخص کایزر - مایر - اولکین برابر 0/83 و ضریب کرویت بارتلت برابر با 648/46 بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت. هیچ‌گویه‌ای حذف نشد و تمامی آن‌ها از بار عاملی بالایی برخوردار بود. در این پژوهش به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب حاصله برای این مقیاس 0/78 به‌دست آمد.

3. پیشرفت تحصیلی. در این پژوهش معدل دانش‌آموزان دبیرستانی به‌عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی آنان مدنظر قرار گرفت.

شیوه اجرا. به‌منظور یکسان‌سازی شیوه اجرا، ابتدا توضیحاتی درباره پاسخ‌دهی به پرسشنامه‌ها و لزوم صداقت با تأکید بر این‌که در هیچ‌یک از گویه‌های پرسشنامه‌ها پاسخ درست و غلط وجود ندارد، ارائه شد. سپس آزمودنی‌ها پرسشنامه‌های خودکارآمدی عمومی و دلبستگی به والدین را به‌صورت گروهی تکمیل کردند. ترتیب ارائه پرسشنامه‌ها به‌صورت چرخشی بود. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان و گام‌به‌گام استفاده شد.

1. Kaiser-Mayer-Olkin (KMO)

2. reliability

3. Schwarzer

یافته‌ها

میانگین سنی دانش‌آموزان 15/95 سال، انحراف معیار 0/85 و دامنه سنی آنان 14- 17 سال بود. همچنین 0/3 درصد از والدین بی‌سواد، 15/4 درصد زیر دیپلم، 59/7 درصد دیپلم و فوق دیپلم، 16/4 درصد لیسانس و 8/2 درصد در سطح فوق لیسانس و بالاتر بودند. از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی 23/1% از دانش‌آموزان به خانواده‌های کم‌درآمد، 28/4% به خانواده‌های پردرآمد و 48/5% به خانواده‌های متوسط تعلق داشتند.

جدول 1. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
دل بستگی به پدر	26/38	5/98	7	35
دل بستگی به مادر	36/92	6/70	9	45
خودکارآمدی	30/79	4/42	10	40
پیشرفت تحصیلی	17/03	1/85	10/50	20

جدول 1 میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره دانش‌آموزان را در متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

جدول 2. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	دل بستگی به پدر	دل بستگی به مادر	خودکارآمدی	پیشرفت تحصیلی
دل بستگی به پدر	1			
دل بستگی به مادر	0/58**	1		
خودکارآمدی	0/26**	0/25**	1	
پیشرفت تحصیلی	0/30**	0/36*	0/34**	1

*P<0/05 **P<0/01

همان‌طور که در جدول 2 ملاحظه می‌شود، از میان متغیرهای پژوهش به ترتیب دل بستگی به مادر، خودکارآمدی و دل بستگی به پدر دارای بالاترین ضریب همبستگی با پیشرفت تحصیلی است. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل مسیر استفاده شد و به همین منظور در مرحله اول رگرسیون پیشرفت تحصیلی براساس ابعاد دل بستگی به والدین محاسبه گردید.

جدول 3. پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی براساس ابعاد دل بستگی به والدین

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	β	t
دل بستگی به پدر	0/38	0/14	0/13*	2/09
دل بستگی به مادر			0/29**	4/60

*P<0/05 **P<0/01

نقش دل بستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با

در جدول 3 دل بستگی به مادر و به پدر پیش بینی کننده مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی است. در مرحله دوم رگرسیون خودکارآمدی بر اساس ابعاد دل بستگی به والدین محاسبه شد.

جدول 4. پیش بینی خودکارآمدی بر اساس ابعاد دل بستگی به والدین

متغیرهای پیش بین	R	R ²	β	t
دل بستگی به پدر	0/29	0/08	0/16**	2/56
دل بستگی به مادر			0/16**	2/44

**P<0/01

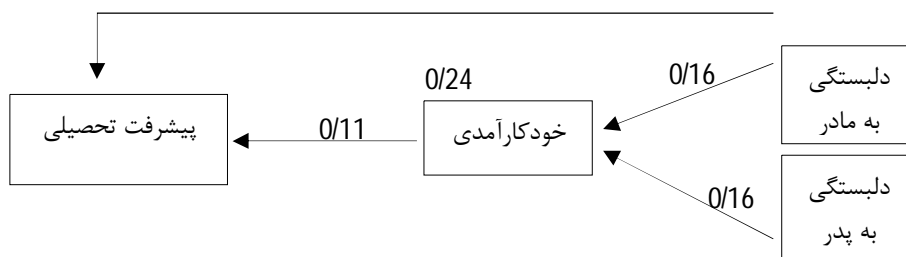
در جدول 4 دل بستگی به مادر و دل بستگی به پدر پیش بینی کننده مثبت و معنادار خودکارآمدی است. در مرحله سوم رگرسیون پیشرفت تحصیلی بر اساس ابعاد دل بستگی به والدین و خودکارآمدی محاسبه گردید.

جدول 5. پیش بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس ابعاد دل بستگی به والدین و خودکارآمدی

متغیرهای پیش بین	R	R ²	β	t
دل بستگی به پدر			0/09	1/43
دل بستگی به مادر	0/45	0/20	0/24**	4/05
خودکارآمدی			0/11**	5/12

*P<0/05 **P<0/01

در جدول 5 دل بستگی به مادر و خودکارآمدی پیش بینی کننده مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی است. نتایج تحلیل مسیر نشان می دهد خودکارآمدی نقش واسطه ای کامل میان دل بستگی به پدر و پیشرفت تحصیلی و نقش واسطه ای نسبی میان دل بستگی به مادر و پیشرفت تحصیلی ایفا می کند. نتیجه نهایی در شکل 1 آورده شده است.



شکل 1. الگوی برازش شده پیش بینی پیشرفت تحصیلی

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های نشان داد که دلبستگی مادرانه و دلبستگی پدرانه هر دو پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار پیشرفت تحصیلی هستند. این یافته همسو با پژوهش‌های جاناتان و والتر (2004)، ویتارو¹ (2005) و اکانر و مک‌کارتنی² (2007) است. سطوح پایین دلبستگی به والدین می‌تواند منجر به افزایش خطر ضعف عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان گردد. در این میان روابط ضعیف کودک-والد و ناامیدی از وضعیت درسی دانش‌آموز و همچنین عدم تشویق وی از سوی والدین می‌تواند احتمال بروز این خطر را افزایش دهد (توبمن و فاس، 2002).

در توجیه این یافته می‌توان گفت دلبستگی پیوندی عاطفی است و پناهگاهی امن را برای کودک پایه‌ریزی می‌کند که کودک با تکیه بر آن به کاوش می‌پردازد و بر چالش‌های محیط فائق می‌آید (اینسورث³، 1982؛ بالبی، 1973). رفته‌رفته که کودک رشد می‌یابد این پناهگاه بیرونی را در وجود خود درونی می‌کند و این احساس امنیت روانی را با خود به محیط‌های اجتماعی همچون مدرسه می‌برد و از آن در راستای بهره‌گیری از فرصت‌های آموزشی سود می‌جوید. از این طریق توان فرد برای رویارویی با چالش‌های شناختی ارتقا یافته و پشتکار و جدیت او برای کسب جایگاه‌های علمی تضمین می‌شود. بنابراین، رشد سائق‌ها و تأمین دیگر نیازها در دوران کودکی معمولاً از طریق پیشرفت تحصیلی خود را نمایان می‌سازد (شارپ، 2004).

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد دلبستگی به مادر و به پدر هر دو قادر به پیش‌بینی خودکارآمدی هستند. این یافته با پژوهش‌های بندورا و همکاران (2001)، گرین و همکاران (2004) و کرول، هوگتان، وود، آنسورث، هاتی، گوردون و باور⁴ (2009) همسو است. در توجیه این یافته باید تصریح کرد که دلبستگی ایمن (چه پدرانه و چه مادرانه) جهانی قابل‌اعتماد، امن و پیش‌بینی‌پذیر را برای فرزندان به‌تصویر می‌کشد، در چنین محیط پاسخ‌گو و حساسی است که والدین پیامد موردانتظار را در برابر رفتار فرزندشان فراهم می‌کنند لذا او به این باور می‌رسد که می‌تواند بر محیط خویش تأثیر بگذارد و آن را کنترل کند، این‌جا است که خودکارآمدی شکل می‌گیرد و فرد توانمندی‌هایش را باور می‌کند. در همین زمینه پژوهش گمز و مک‌لارن⁵ (2007) نشان داد هم دلبستگی به مادر و هم دلبستگی به پدر با عزت‌نفس، رابطه‌ای مثبت و با پرخاشگری، رابطه‌ای منفی و عزت‌نفس، در رابطه بین دلبستگی به مادر و پرخاشگری نقش واسطه‌ای دارد. نتایج پژوهش حاضر همچنین نشان داد که خودکارآمدی به‌طور کل نقش واسطه‌ای میان

1. Vitaro

2. O'Connor & McCartney

3. Ainsworth

4. Carroll, Houghton, Wood, Unsworth, Hattie, Gordon, & Bower

5. Gomes & Mc Laren

نقش دلبستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با

دلبستگی به والدین و پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کند. نقش واسطه‌گری خودکارآمدی در رابطه با پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از سوی شماری از پژوهش‌های پیشین تایید شده است (حجازی، فارسی‌نژاد و عسگری، 1386؛ نقش، 1385). به‌واقع تجربه‌های ایمن، خودباوری مثبت را زیرسازی می‌کند و به این واسطه موفقیت‌های تحصیلی را رقم می‌زند. به‌عبارت‌دیگر پایگاه امن خانوادگی با پدیدآوردن محیطی اغناکننده نوجوان را متوجه پیامد رفتار خویش می‌کند (بندورا، 1997) و به‌دین طریق رابطه‌ی میان تلاش و موفقیت حاصل از آن را درک می‌کند و این درست همان موقعیتی است که خودکارآمدی برای رشد نیازمند آن است. باورهای خودکارآمدی نشأت گرفته از شرایط مساعد خانوادگی به فرد امکان می‌دهد که تهدیدهای بالقوه را به‌عنوان چالش‌های قابل‌اداره تفسیر و با کاستن از افکار نگران‌کننده و منفی، حالت هیجانی خود را تنظیم کند. این باورها همچنین با توانا ساختن افراد برای تقاضای حمایت اجتماعی راه را برای رسیدن به موفقیت‌های تحصیلی هموار می‌کند.

از دیگر نتایج پژوهش این بود که خودکارآمدی نقش واسطه‌ای کامل میان دلبستگی به پدر و پیشرفت تحصیلی و نقش واسطه‌ای نسبی بین دلبستگی به مادر و پیشرفت تحصیلی ایفا می‌کند. این یافته به تفاوت در نوع ارتباط عاطفی پدرانه و مادرانه اشاره دارد. به‌واقع مادران نسبت به همسران خود درگیری بیش‌تری در فعالیت‌های آموزشی فرزندان دارند و از این طریق پیشرفت تحصیلی آنان را رقم می‌زنند. از سوی دیگر بنا به گفته‌ی ادی، برویان، دکوی و میجنن¹ (2003) شرایط فرهنگی و خانوادگی نقش عمده‌ای را در چگونگی رابطه‌ی میان والدین و فرزندان ایفا می‌کند. برای مثال در فرهنگ ما مادران بیش از پدران در انجام تکالیف تحصیلی با فرزندان خود مشارکت دارند و بیش‌از همسران خود با معلمین، مسئولین مدرسه و فضای آموزشی نوجوانان مأنوس هستند. اما به‌نظر می‌رسد که پدران به‌واسطه‌ی تعیین ویژگی‌های شخصیتی و انگیزشی (از طریق تشویق‌ها و تأکید بر توانایی‌ها، ارائه بازخورد مثبت و الگوهای شایسته) و بدون دخالت مستقیم در فعالیت‌های تحصیلی فرزندان، آینده‌شناختی نوجوانان را پی‌ریزی می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند تلویحاتی متعدد برای آموزگاران، دانش‌آموزان و آموزش و پرورش داشته باشد. ضروری است که آموزش‌هایی جهت بهبود کیفیت روابط هیجانی میان والد و کودک ارائه شود تا با شکل‌گیری دلبستگی ایمن پایگاهی عاطفی در دانش‌آموز برای شکل‌گیری خودباوری‌های مثبت و تصاحب جایگاه‌های علمی فراهم شود. از سوی دیگر در پژوهش حاضر خودکارآمدی نیز توانست پیشرفت تحصیلی را به‌طرز مثبت و معنادار پیش‌بینی کند. این یافته نیز تلویحات مفیدی در حوزه آموزش و پرورش دارد. خودباوری مثبت در شرایطی به‌وقوع

می‌پیوندند که فرد رابطه‌ای آشکار میان سطح تلاش خود و نتیجه عمل می‌یابد، از این منظر آموزگاران موظفند تا چنین موقعیتی را خلق کنند و این تصور مثبت را در دانش‌آموزان ایجاد کنند. دانش‌آموزان باید اطمینان کنند که حتی کوشش‌های کم آن‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند. بنابراین تقویت در مقاطع تحصیلی نباید تنها به نتایج و نمره‌های دانش‌آموز محدود شود، بلکه این سطح تلاش دانش‌آموز است که باید ارج نهاده شود.

در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود پژوهش در سایر گروه‌های سنی نظیر دانشجویان دانشگاه، دانش‌آموزان دوره راهنمایی و پیش‌دانشگاهی تکرار و در پژوهش‌های بعدی با استفاده از روش‌های مختلفی پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌ها ارزشیابی و برای مثال از آزمون‌های استاندارد پیشرفت تحصیلی استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت، کاربرد و نقش تأثیرگذار دبستگی و خودکارآمدی بر پیشرفت تحصیلی دوره‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی برای دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دانش‌آموزان برگزار شود.

منابع

- آتش‌روز، بهروز، پاکدامن، شهلا، و عسگری، علی. (1387). پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی براساس میزان دبستگی. *خانواده پژوهی*، 4(14): 193-203.
- بشارت، محمدعلی، شالچی، بهزاد، و شمسی‌پور، حمید. (1385). بررسی رابطه هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، 3(4): 73-84.
- حجازی، الهه، فارسی‌نژاد، معصومه، و عسگری، علی. (1386). سبک‌های هویت و پیشرفت تحصیلی: نقش خودکارآمدی تحصیلی. *مجله روان‌شناسی*، 11(4): 394-413.
- حجازی، الهه، و نقش، زهرا. (1387). الگوی ساختاری رابطه ادراک از ساختار کلاس، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و خودنظم‌بخشی در درس ریاضی. *تازه‌های علوم شناختی*، 10(4): 27-38.
- خادمی، محسن، و نوشادی، ناصر. (1385). بررسی رابطه بین جهت‌گیری هدف با خودتنظیمی یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی شهر شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، 25(4): 63-78.
- عابدی، احمد، عریضی، حمیدرضا، و سبحانی‌نژاد، مهدی. (1384). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی‌های شخصیتی آنان. *دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانش‌ور رفتار*، 12(1): 29-38.
- کریم‌زاده، منصوره، و محسنی، نیک‌چهره. (1385). بررسی خودکارآمدی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر سال دوم دبیرستان شهر تهران. *مطالعات زنان*، 4(2): 29-45.
- نقش، زهرا. (1385). *رابطه ادراک کلاسی و متغیرهای انگیزشی با پیشرفت تحصیلی و یادگیری خود نظم بخش: ارایه مدل پیش‌بینی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سوم ریاضی - فیزیک شهر*

- Ainsworth, M. D. S. (1982). Attachment: Retrospect and prospect. In C. M. Parkes & J. Stevenson-Hinde (Eds.), *The place of attachment in human behavior*. New York: Basic Books.
- Armesden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The inventory parent and peer attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16(1): 427-453.
- Bandura, A. (1997). *Self-Efficacy: The Exercise of Control*. USA: W. H. Freeman.
- Bandura, A., Caprara, G. V., Barbaranelli, C., Pastorelli, C., & Regali, C. (2001). Sociocognitive selfregulatory mechanisms governing transgressive behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 80(1): 125-135.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and Loss* (vol.II). Separation. New York: Basic Books.
- Carroll, A., Houghton, S., Wood, R., Unsworth, K., Hattie, J., Gordon, L., & Bower, J. (2009). Self-efficacy and academic achievement in Australian high school students: The mediating effects of academic aspirations and delinquency. *Journal of Adolescence*, 32(4): 797-817.
- Chao, R. K. (2001). Extending research on the consequences of parenting style for Chinese Americans and European Americans. *Child Development*, 72(6): 1832-1843.
- D'Arrisso, A. (2010). *Academic achievement in first nations adolescents: The role of parental and peer attachment in promoting successful outcomes*. Master's Thesis. McGill university.
- Eddy, H., Bruyn, D., Dekovi, M., & Meijnen, G. W. (2003). Parenting, goal orientations, classroom behavior, and school success in early adolescence. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 24(4): 393- 412.
- Elaine shaw, N. B. A. (2008). *The relationships between perceived parenting style, academic self-efficacy and college adjustment of freshman engineering students*. Master's thesis. University of North Texas.
- Elias, M. J., Gara, M., & Schuyere, B. (2003). The promotional of social competence: Longtudinal study of aprevontive school-based program. *American Journal of Orthopsychiatry*, 61(3): 409-417.
- Goodwin, I. (2004). The relevance of attachment theory to the philosophy, organization, & practice of adult mental health care. *Clinical Psychology Review*. 23(1): 35-56.
- Gomez, R., McLaren, S. (2007). The inter-relations of mother and father attachment , self-esteem and aggression during late adolescence. *Aggressive Behavior*, 33(2): 160-169.

- Greene, B. A., Miller, R. B., Crowson, M., Duke, B. L., & Akey, K. L. (2004). Predicting high school students' cognitive engagement and achievement: contributions of classroom perceptions and motivation. *Contemporary Educational Psychology*, 29(4): 462-482.
- Hayaki, J., Herman, D. S., Hagerty C. E., de Dios, M. A., Anderson, B.J., & Stein, M. D. (2011). Expectancies and self-efficacy mediate the effects of impulsivity on marijuana use outcomes: An application of the acquired preparedness model. *Addictive behavior*, 36(4): 389-396.
- Jonathan, P. S., & Walter, C. (2004). Relationship between attachment to parents and psychological separation in college students. *Journal of College Student Development*, 45(5): 566-577.
- Lim, V. K. G., & Leng-Loo, G. (2001). Effects of paternal job insecurity and parenting behaviors on youths self-efficacy and work attitudes. *Journal of Vocational Behavior*, 63(2):86-98.
- Moss, E., & St-Laurent, D. (2002). Attachment at School Age and Academic Performance. *American Psychological Association*, 37 (6): 863-874.
- O'Connor, E., & McCartney, K. (2007). Attachment and cognitive skill: An investigation of mediating mechanisms. *Applied Developmental Psychology*, 28(5): 458-476.
- Parker, J. D. A., Creque, R. E., Barnhart, D. L., Harris, J. H., Majeski, L. M., Bond, B. J., & Hgan, M. J. (2004). Academic achievement in high school: Does emotional intelligence matter? *Personality and Individual Difference*, 37(7): 1321-1330.
- Robbins, S. E., Lauver, K., Le, H., Davis, D., Langley, R., & Carlstrom, A. (2004). Do psychosocial and study skill factors predict college outcomes? A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 130(2): 261-288.
- Schwarzer, R. (1992). *Self-efficacy: Thought control of action*. Washington, DC: Hemisphere.
- Sharpe, K. (2004). *Parental influence on the development of children* [On-Line]. Available:[https://people.creighton.edu/idc24708/Genes%20Poster/Papers/Parenting Sharpe.doc](https://people.creighton.edu/idc24708/Genes%20Poster/Papers/Parenting%20Sharpe.doc).
- Tobman, J., & Fass, M. (2002). The influence of parent and peer attachment on college students' academic achievement. *Psychology in the Schools*, 39 (5): 561-573 .
- Vasile, C., Marhan, A. M., Singer, F. M., & Stoicescu, D. (2011). Academic self-efficacy and cognitive load in students. *Social and Behavioral Sciences*, 12(1): 478-482.
- Vitaro, F. (2005). Linkages between early childhood, school success, and high school completion [On-Line]. Available: www.excellence-earlychildhood.ca
- Zulla, R. (2008). *Parental attachment, caretaking responsibilities and self-efficacy in the adjustment of Canadian immigrants*. Master's thesis. University of Alberta.

پرسشنامه دلبستگی والدین و همسال (IIPPA)

اصلاً درست نیست	درست نیست	نظری ندارم	درست است	کاملاً درست است	سؤال ها
					1. من مشکلات را با پدرم در میان می گذارم.
					2. من مشکلات را با مادرم در میان می گذارم.
					3. اگر پدرم بفهمد چیزی مرا ناراحت کرده است درمورد آن از من سؤال می کند
					4. اگر مادرم بفهمد چیزی مرا ناراحت کرده است درمورد آن از من سؤال می کند.
					5. پدرم به من کمک می کند که خودم را بهتر بفهمم.
					6. مادرم به من کمک می کند که خودم را بهتر بفهمم.
					7. پدرم مرا همان طور که هستم قبول دارد.
					8. مادرم مرا همان طور که هستم قبول دارد.
					9. پدرم به احساسات من احترام می گذارد.
					10. مادرم به احساسات من احترام می گذارد.
					11. زمانی که از چیزی عصبانی می شوم پدرم سعی می کند مرا درک کند.
					12. زمانی که از چیزی عصبانی می شوم مادرم سعی می کند مرا درک کند.
					13. وقتی مشکلاتم را با پدرم می گویم احساس خجالت یا حماقت می کنم.
					14. وقتی مشکلاتم را به مادرم می گویم احساس خجالت یا حماقت می کنم.
					15- پدرم چندان توجهی به من ندارد.
					16- مادرم چندان توجهی به من ندارد.
					17- من با پدرم احساس عصبانیت می کنم.
					18-- من با مادرم احساس عصبانیت می کنم.
					19- وقتی پهلوی پدرم هستم دچار ناراحتی می شوم
					20- وقتی پهلوی مادرم هستم دچار ناراحتی می شوم

پرسشنامه خودکارآمدی عمومی

کاملاً شبیه من	خیلی شبیه من	کمی شبیه من	کاملاً مخالف من	سؤال‌ها
				1. اگر به خوبی تلاش کنم می‌توانم همیشه، مشکلات زندگی خود را به تنهایی حل کنم.
				2. حتی اگر افرادی با خواسته‌هایم مخالف باشند باز هم می‌توانم راه‌هایی برای دستیابی به آن‌ها پیدا کنم.
				3. می‌توانم برای دستیابی به اهدافم تلاش کنم و به آن‌ها برسم.
				4. مطمئن هستم به خوبی می‌توانم با رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی زندگی مقابله کنم.
				5. با داشتن کاردانی لازم، می‌دانم که چگونه شرایط غیرقابل پیش‌بینی را مهار کنم.
				6. اگر سخت تلاش کنم می‌توانم بسیاری از مشکلاتم را حل کنم.
				7. می‌توانم با اتکاء به توانایی‌های سازگاری خود در مواجهه با مشکلات خونسردی خود را حفظ کنم.
				8. وقتی با مشکلی مواجه شوم معمولاً راه حل‌هایی پیدا می‌کنم.
				9. هرگاه به دردسر می‌افتم می‌توانم راه حلی برایش پیدا کنم.
				10. هر مانعی که در سر راهم وجود داشته باشد می‌توانم از سر راه خود بردارم.